



رزا کوچولو

**نمادی از رفتار محبت آمیز
رهبر آلمان با کودکان**

نگاهی به تانک های
ضد هوایی آلمان

تکنیک های کارگری
در رایش سوم

گذاری بر سفنان

دکتر جوزف گوبلز

“رسانه قدرت هشتم”

به انضمام بررسی

هواپیمای تک موتوره

آرادو آ-۶

Ketabton.com

“مقاله ویژه”

رودولف هس سفیر آزادی

که تا ابد در قفس ماند

معاون محبوب پیشوا که در راه

صلح از آزادی خود گذشت

سر دبیر
Erwin

Email:ensi@nazicenter.ir

آنچه در این شماره می خوانید

همکاران این شماره:

Hooman هومن

Germanizer بابک

Dariush داریوش

Sorena شاهرخ

Das riesz علی رضا

هانریش

Eagle

اروین Erwin

محمد

نگاهی به زندگی رودولف هس

برای رزا

تعطیلات کارگری در رایش سوم

قدرت هشتم

صلیب مادر

تکخال تایگر

بررسی فنی هواپیمای آرادو آر-68

بررسی تانک های ضد هوایی آلمان

تاریخچه ی نزول خوری و آخرین مبارز آن

این ماهنامه تنها با هدف اطلاع رسانی و پرداختن به حقایق پیرامون رایش سوم و جنگ جهانی دوم می باشد .
ماهنامه انسی با هرگونه نژاد گرایی و نژادپرستی مخالف است و به همه ی انسان ها با هر نژاد و مذهبی احترام میگذارد .

برای عضویت در انجمن ما به سایت

www.nazicenter.ir

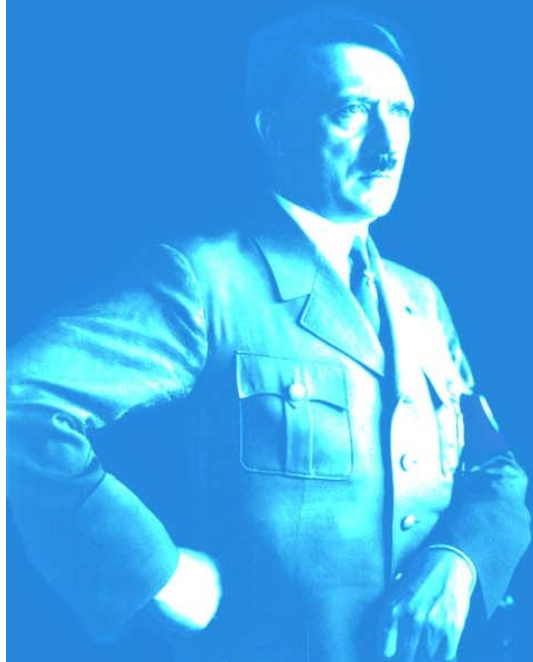
مراجعه کنید .

مقدمه سر دبیر

رایش سوم با خود اسرار زیادی دارد، اسراری که امروزه کمتر به آن توجه می شود هر گاه سخن از آدولف هیتلر و رایش سوم می شود نخستین تصویری که در ذهن بیننده یا شنونده نقش می بندد، انسان های استخوانی و اردوگاه های مرگ است. همه ساله هزاران فیلم در غالب به اصطلاح مستند در تایید اردوگاه ها و کشتارها ساخته می شوند، فیلم هایی که در آن متفقین فرشته های آزادی و دول محور و در راس آن رایش سوم نمادی از مرگ و نابودی به تصویر کشیده شده اند و در این جاست که جمله ی معروف ”تاریخ را قوم پیروز می نویسد“ معنی خود را نشان می دهد. زیرا که هیچگاه از پیشرفت های اجتماعی و فناوری رایش سخن به میان نمی رود در حالی که قدرت علمی شرق و غرب هر دو حاصل غارت اختراعات و دانشمندان آلمان نازی بود.

ما در ماهنامه ی انسی سعی داریم با دید جدیدی به وقایع جنگ جهانی دوم و رایش سوم بپردازیم و دین خود را هرچند کم در ارتقای دانش این مرز و بوم ادا کنیم. این ماهنامه حاصل تلاش شبانه روزی فرزندان این آب خاک است که بدون هیچ چشم داشت مادی وقت خود را صرف ترجمه و نگارش مقالات می کنند تا سهمی در ارتقای دانش هموطنان خود داشته باشند.

و در پایان از کلیه دوستانی که در امر تهیه و تنظیم این ماهنامه ما را یاری نمودند صمیمانه تشکر نموده و از کلیه دوستان و عزیزانی که این ماهنامه را مطالعه میکنند تشکر و خواهمندیم برای ادامه کار گروه و دلگرمی ما مطالب را تنها با ذکر منبع (ماهنامه تاریخی و پژوهشی انسی) و نام نویسنده آن مورد استفاده قرار دهند. قطعاً رعایت این نکته مهم از طرف خوانندگان عزیز موجبات ادامه و گسترش فعالیت های پژوهشی ماهنامه انسی را فراهم خواهد نمود.



سفیر صلح

نوشته ی : بابک
Germanizer

نگاهی به زندگی رودلف هس همزمان با تخریب قبر وی

رودلف والتر ریچارد هس (۲۶ آوریل ۱۸۹۴ - ۱۷ اوت ۱۹۸۷) در اسکندریه مصر متولد شد. پدر او یک تاجر آلمانی بود که همراه خانواده در سال ۱۹۰۸ از اسکندریه به آلمان مهاجرت کرد. اگر چه وی به ستاره شناسی علاقه داشت اما پدرش وی را قانع کرد تا در سوئیس تجارت بخواند. در زمان وقوع جنگ جهانی اول او داوطلب خدمت سربازی در هنگ هفتم باواریا شد و موفق شد صلیب آهنی درجه دو نیز دریافت کند. وی در طول جنگ یک بار به شدت از ناحیه قفسه سینه مجروح شد و دیگر نتوانست به عنوان سرباز پیاده به جبهه بازگردد. بنابراین، پس از یکبار مردود شدن به نیروی هوایی منتقل شد و آموزش‌های هوانوردی و خدمت در اسکادران عملیاتی را با رتبه ستوان در ۱۶ اکتبر ۱۹۱۸ گذراند. در 20 دسامبر 1927 هس با ایلسه پروهل 27 ساله که اهل ایالت هانور بود ازدواج کرد. آنها صاحب یک فرزند پسر به نام وولف رودیگر هس شدند.

در سال 1920 وی به مونیخ بازگشت. با شنیدن یکی از سخنرانی های آدولف هیتلر در آنجا کاملاً شیفته وی شد و پس از آن به عضویت حزب نازی در آمد و در کودتای آجوفروشی هم همراه با همه اعضای حزب شرکت داشت که او به همراه آدولف هیتلر دستگیر شدند و به مدت چند ماه به زندان برده شدند که در این مدت او سمت منشی و دستیار آدولف هیتلر را داشت و در نگارش کتاب "نبرد من" آدولف هیتلر، به او کمک کرد. پس از به قدرت رسیدن حزب نازی در آلمان او به سمت معاون هیتلر نائل شد او در برهه ای سومین شخص قدرتمند آلمان پس خود هیتلر و هرمان گورینگ بود و تاثیرات به سزایی هم در قوانین نورنبرگ سال 1935 داشت.

با شروع جنگ جهانی دوم و اعلان جنگ انگلیس به آلمان، رودولف هس در اقدامی خودسرانه اقدام به سفر به انگلستان می کند و در تاریخ ۱۰ مه ۱۹۴۱ ساعت ۶:۰۰ صبح با یک مسراسمیت بی اف 110 به سمت اسکاتلند پرواز کرد.



هس با چترنجات از هواپیمای در حال سقوطش خارج شد و بر روی رنفرشیر اسکاتلند در یکی از مزارع نزدیک ایگلشم فرود آمد. هس پس از فرود دچار شکستگی مچ پا شد و سپس توسط نیروهای انگلیسی دستگیر شد. در طول اسارتش در زندان انگلستان او در سلول انفرادی نگاهداری و مرتباً توسط تیمهای ام آی 5 بازجویی میشد تا جایی که پس از مدتی او دچار افسردگی و انزوای شدیدی می شود.

با پایان جنگ جهانی دوم و دادگاه نورمبرگ در سال 1946 او به همراه دیگر سران آلمان نازی مورد اتهام قرار گرفت و به حبس ابد محکوم شد. هس قبل از آنکه به دادگاه برده شود اعلام کرد که از هیچ چیز متأسف نیست و خدمت به آدولف هیتلر را افتخاری برای خودش می دانست و هیتلر را بهترین و وطن پرست ترین فرزند آلمان می دانست که تا به حال به خود دیده است .

در اوایل دهه هفتاد کشورهای آمریکا ، انگلستان و فرانسه به شوروی پیشنهاد دادند تا با توجه به سن و سال هس و به دلایل بشر دوستانه هس آزاد شود . پاسخ رسمی شوروی مخالفت علنی با این تلاش ها بود و آن کار انجام نشد.

در طول اسارتش در زندان آلمان او تنها اجازه داشت تا در ماه نیم ساعت با خانواده اش صحبت کند . هس هرگز اجازه نداشت تا در مورد جنگ جهانی دوم و یا حزب نازی بحث کند و نامه ها و ارتباط هایش مورد سانسور قرار می گرفت و این عمل یک امر عادی به شمار می رفت. او تنها اجازه داشت تا در هر هفته تنها یک نامه ی 1200 لغتی بنویسد و او هم از حقش استفاده و هر هفته یک نامه می نوشت.

رودلف هس در تاریخ ۱۷ اوت ۱۹۸۷ در حالی که ۹۳ سال سن داشت در زندان "اسپاندو"، در غرب برلین خودکشی کرد. جسد او در حالی که یک کابل برق دور گردنش پیچیده شده بود، در یک خانه ی تابستانی در باغی که در منطقه ی امن زندان به حساب می آمد پیدا شد. جسد او در ونسیدل در آرامگاه خانوادگی اش دفن شد . بعد از آن زندان "اسپاندو" خراب شد تا از تبدیل شدن آن به یک مکان مقدس برای نئونازی ها جلوگیری شود. آرامگاه هس همه ساله شاهد حضور هزارن نئونازی بود تا این که در ماه اخیر تخریب و بقایای جسد هس نیز سوزانده شد .



آرامگاه هس قبل از تخریب



آرامگاه هس پس از تخریب

برای رزا

ترجمه و نوشته:
داریوش



رزا دختری اهل مونیخ



تصویر اولین دیدار رزا با
پیشوا 1933-

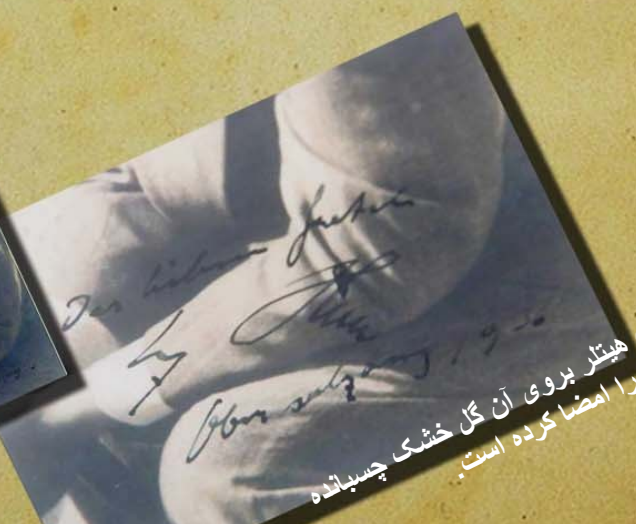


رزا به همراه هیتلر-1938

رزا دختر کوچکی بود که بسیار مورد علاقه ادولف هیتلر رهبر آلمان بود. رزا اصلیت دورگه داشت و مادر بزرگ او یهودی بود. در سال های بعد از جنگ گفته شده بود که ادولف هیتلر در سال 1933 بعد از اینکه فهمیده بود او یهودی است دیگر از این دختر برای دیدنش دعوت نکرده بود اما با کشف عکس هایی از ادولف هیتلر همراه با رزا که در آن ها رزا کم کم بزرگ شده بود، مشخص شد که او در سال های مختلف به دیدن ادولف هیتلر می رفته و این مهر باطلی بر گفته های آنان زده شد.

این تصاویر زمانی که رزا به دیدن هیتلر میرفت توسط هافمن عکاس و دوست ادولف هیتلر گرفته شده و در آرشیو شخصیش نگهداری می شد و تا زمانی که هافمن در کتابی به نام "دوست من هیتلر" اقدام به چاپ آنها نموده بود این تصاویر در هیچ کجا نمایش داده نشد بود.

نکته جالبی که در مورد این رابطه محبت آمیز وجود دارد این بود که در پی تحقیقات یک محقق به نام "دیوید ایورینگ" و جمع آوری بایگانی از عکس، فیلم و مدارک، یک نامه از رزا با دست خط کودکانه خود به عمو هیتلر و در ادامه نامه ای از ادولف هیتلر به رزا همراه با عکس های که خود هیتلر با چند گل سفید آنها را تزئین کرده بود و روی آنها نوشته بود "تقدیم به خوب و عزیزم رزا" را پیدا نمود.



عکسی که هیتلر بروی آن گل خشکی چسبانده و روی آن را امضا کرده است.



عکس دیگری که شخصا توسط آدولف هیتلر با گل های خشک تزئین شده است.

نکته جالب این تصاویر نام ساده و بدون آرایش آدولف بدون ذکر نام پیشوا و امضای آن توسط رهبر بزرگ آلمان بود. دیوید ایورینگ از سال 1963 تا سال 2000 این آرشیو را جمع اوری کرده بود که شامل 350 جعبه بود که در آن هزاران صفحه مدرک، فیلم و عکس وجود داشت. در سال 2000 این محقیق با انتشار مدارک خود شروع به نشان دادن حقایق تاریخی نمود اما در اقدامی غیر قانونی دولت اقدام به بازداشت این محقق و مصادر خانه و اموال و آرشیو جمع اوری شده او کرد. اما در پی شکایت این محقق به دادگاه عالی در ماه اکتبر سال 2007 دادگاه رای به نفع دیوید ایورینگ داد اما از آرشیو 350 جعبه ای وی تنها 170 جعبه به او برگردانده شده بود و مقامات اظهار کرده بودند که مابقی این آرشیو ارزشمند گم شده است که در بین این جعبه های گم شده مدارک فوق نیز وجود داشت.



تصاویر دیگری رزا با پیشوا هیتلر

وضعیت جوامع غربی و اروپا در دهه ی 30 نتیجه ی مستقیم انقلابات صنعتی در اروپا بود. دنیایی که همچنان در آن الیور توئیست و زندگی با رنج و افسردگی مردم دیده میشد. در کل اروپا، چیزی به نام تعطیلات برای کارگران وجود نداشت و فقط در بعضی کشورها، این تعطیلات به 5 روز در سال می رسید. تعطیلات هفتگی هم فقط در روز های یکشنبه به دلیل مقدس بودن این روز از گذشته بود. در نتیجه کارگران هیچ جایی برای رفتن در تعطیلات نداشتند، یا به معنای دیگر در واقع هیچ روز تعطیلی نداشتند که بخواهند به سفر بروند. اما در رایش سوم زندگی کارگران به شکل دیگری بود:

آولف هیتلر قانونی تصویب کرده بود که کارگران این اجازه را داشتند که در طول یک سال 21 روز را برای تعطیلات خود انتخاب کنند! این مقدار تعطیلات سالیانه در مقایسه با کشور مجاور آلمان (فرانسه) سه برابر بیشتر بود.

طرح بزرگ تعطیلات بلند مدت 21 روزه برای کارگران به صورتی تصویب شده بود که کارگران بتوانند از تعطیلات خود به بهترین شکل استفاده کنند. ترن ها و قطار های مجلل زیادی برای رفت و آمد کارگران به مناطق مختلف ساخته شده بود، همینطور هتل های زیبا در سواحل و کوه ها ساخته شده بود که به کارگران اجازه میداد از تعطیلات خود به بهترین شکل ممکن لذت ببرند.



کشتی ویلیام گوستاو یکی از کشتی های تفریحی کارگران

کشتی های کروز بزرگی مانند کشتی "ویلهم گوستلف"، "روبرت لی"، "کپ آرکونا" و ... این امکان را برای کارگران آلمانی فراهم میکرد که با کشتی های کروز به سفر بر روی آب بروند. این کشتی های کروز که برای کارگران ساخته شده بودند، اجازه ی نزدیک شدن به جزیره ی بریتانیا نداشتند، به خاطر اینکه دولت بریتانیا علاقه ای نداشت که شهروندانش مشاهده کنند که کارگران آلمانی تحت حکومت دولت ناسیونال سوسیالیست در چه رفاهیی قرار دارند. تا قبل از شروع جنگ، بیش از نیمی از



کارگران مشغول استراحت در در عرشه ی کشتی در یکی از تور های تفریحی

کارگران آلمان از این طرح وسیع استفاده کردند و تجربه‌ی یک تفریح و سفر 21 روزه‌ی فراموش نشدنی را برای همیشه به خاطر سپردند. آن دسته از کارگرانی که در پروژه‌هایی کار میکردند که از محل سکونت آنها دور بود علاوه بر اینکه به صورت شیفته کار میکردند، همه‌ی نیازهای خود را در نزدیکی محل کار خود برآورده شده می‌دیدند. امکانات تفریحی و سرگرمی در نزدیکی تمام کمپ‌های آنها ساخته شده بود، و یک محیط کارگری و خسته‌کننده تبدیل به محیطی لذت بخش شده بود. چهارده گروه از افراد با تجربه در این زمینه، مسئولیت این کمپ‌ها را بر عهده داشتند که برای کارگران انواع سرگرمی‌ها و فیلم‌ها را آماده میکردند تا زمانی که آنها از سر کار خود برمیگردند، خستگی کار را فراموش کنند. همینطور شرایطی وجود داشت که آنها میتوانند خانواده‌ی خود را به این محل‌ها بیاورند تا آنها برای مدتی در آنجا بمانند تا علاوه بر اینکه کارگران احساس دوری نسبت به خانواده‌ی خود را نداشته باشند، همینطور کودکان و مادران فرزندان از امکانات تفریحی و آموزشی در آنجا استفاده کنند. در ایش سوم هر کارگری بر خلاف دیگر کشورهای اروپایی به طور کامل به رسمیت شناخته میشد، و از مزایای مختلفی برخوردار بود و این موضوع باعث شده بود که کارگرها در آلمان نازی از منزلت و احترام خاصی برخوردار باشند. علاوه بر اینها، کارگران همواره میتوانند از طرح بزرگ تعطیلات بلند مدت خود برای سفر کردن با کشتی‌های کروز به دریای مدیترانه استفاده کنند.



تصاویری از امکانات داخلی و لوکس کشتی تفریحی ویلیام گوستاو برای استفاده‌ی کارگران



قدرت هفتم

ترجمه : اروین
Erwin



بخش هایی از سخنان دکتر گوبلز وزیر تبلیغات آلمان نازی در افتتاحیه نمایشگاه رادیوی برلین در 1933 که در آن به ارزش والای این رسانه جدید اشاره می شود.

” ناپلئون روزنامه را قدرت هفتم نامید ، رادیو برای قرن بیستم همچون روزنامه خواهد بود برای قرن نوزدهم ، با تغییرات کمی می توان سخن ناپلئون برای زمان ما را به کار برد رادیو قدرت هشتم است . کشف و ساخت آن حقیقتاً انقلابی و تحولی شگرف در زندگی معاصر داشت .

ما رادیویی می خواهیم که به مردم ختم شود رادیویی که برای مردم کار می کند ، رادیویی که واسطه ای بین مردم و دولت است ، رادیویی که صدای آن به خارج از مرز های ما می رسد تا تصویر ما ، زندگی و کار ما را به دنیا مخابره کند .

ما نمی خواهیم از رادیو تنها برای اهداف حزمان استفاده کنیم . ما مکانی برای تفریح ، هنر ، بازی ها ، و موسیقی می خواهیم . اما همه چیز باید به امروز ما مربوط باشد .

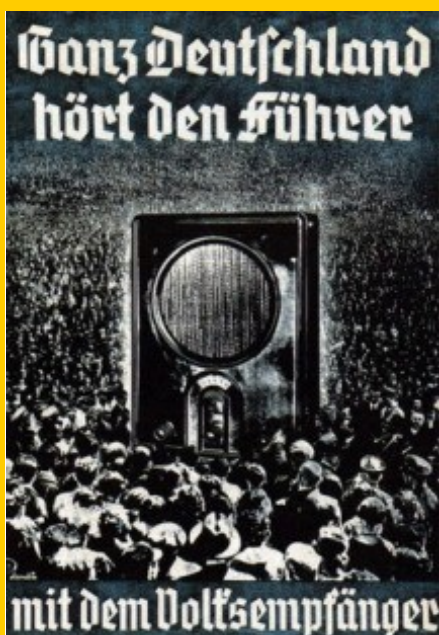
“



نویسنده : اروین
Erwin



نخستین مدل رادیوی مردم



1936-پوسنر تبلیغاتی آلمان نازی که استفاده از رادیوی مردم را ترویج می کند .

رادیوی مردم مدل هایی از رادیو بودند که به درخواست گوبلز وزیر تبلیغات رایش توسط اتو گرساینق ساخته شدند. گوبلز مغز متفکر رایش به خوبی به نقش تبلیغاتی رادیو در اطلاع رسانی به مردم و نابود کردن تبلیغات دشمنان آلمان واقف بود .

اولین مدل این رادیو در سال 1933 در نمایشگاه بین المللی رادیو برلین رو نمایی شد قیمت این رادیو 75 رایش مارک بود که تقریباً با حقوق دو هفته ی کارگران برابری می کرد. بعد ها مدل دیگری از رادیو معرفی شد که قیمتی برابر با 35 رایش مارک داشت. تا سال 1937 نزدیک 2.6 میلیون انواع مختلف این رادیوها فروخته شد. این مقدار فروش برای اولین بار آلمانی ها را قادر کرد که نتها به اخبار روز دسترسی داشته باشند بلکه بتوانند سخنان پیشوای خود را همزمان با میلیون ها آلمانی دیگر بشنوند .

این رادیو ها تنها قادر به دریافت رادیو های آلمانی بودند و با شروع جنگ جهانی دوم به ابزار مناسبی جهت دفع تبلیغات متفقین خصوصاً بی بی سی تبدیل شد .

فروش موفق و قیمت ارزان ان باعث شد تا دولت رایش این سیاست فروش را در کالا های دیگر نیز اعمال کند که نتیجه ی ان خوردوی فولکس واگن بود .

اگرچه میلیون ها دستگاه از انواع این رادیو ها تولید شده امروزه این رادیو ها مورد توجه کلکسیونر ها و مجموعه داران هستند و با قیمت های بالا به فروش می رسند .



خانواده آلمانی در حال گوش کردن به رادیو

صلیب مادر



در 12 آگوست 1938 همزمان با تولد مادر پیشوا ، رایش سوم برای بزرگداشت مقام مادر مدالی را تهیه کرد که به صلیب مادر معروف شد.

مادران بسته به تعداد کودکان به دنیا آورده شده خود مدال طلا و نقره و برنز دریافت می کردند. به این ترتیب که به مادران دارای بیشتر از هشت فرزند مدال طلا ، بین شش و هفت فرزند مدال نقره و بین چهار تا پنج فرزند مدال برنز تعلق می گرفت.

اولین کسی که این مدال را دریافت کرد مگدا گوبلز همسر جوزف گوبلز وزیر تبلیغات آلمان بود که به دلیل به دنیا آوردن 6 فرزند مدال نقره را دریافت کرد.



1939- تصویر مادری که مدال را دریافت کرده است.



پر افتخارترین فرمانده تانک

تهیه و تنظیم :
هانریش

مایکل ویتمن سرشناس ترین و موفق ترین فرمانده تانک جنگ جهانی دوم، در 22 آپریل 1914 متولد شد. وی در سن 22 سالگی به RAD (سپاه کار آلمان) ملحق شد و سپس در هنگ 19 پیاده به عنوان سرباز صفر ثبت نام کرد. مدت کوتاهی بعد از آن ویتمن به اس اس ملحق شد و در لشکر آدولف هیتلر مشغول به خدمت شد. بعد از آن به گروهان شناسایی زرهی لشکر آدولف هیتلر پیوست. با آغاز جنگ در سپتامبر 1939 او به فرماندهی Sd.Kfz.232 های یگان شناسایی گمارده شد و در نبرد لهستان شرکت کرد. در اکتبر 1939 ویتمن بدلیل آشنایی و تجربه کافی با زره پوش ها به گروهان تانک در برلین منتقل شد. در اواخر 1940 ویتمن و یگان تابعش عازم نبرد بالکان شدند و تا سال 1941 در همانجا مشغول خدمت بود.

روز یازدهم جولای 1941 مایکل ویتمن به همراه لشکر یکم زرهی آدولف هیتلر به شرق منتقل شد تا برای عملیات "بارباروسا"، حمله به اتحاد جماهیر شوروی آماده شوند. با آغاز عملیات، ویتمن به دلیل نشان دادن لیاقت در جنگ مفتخر به دریافت مدال صلیب آهنین (درجه دو) گردید. مدت کوتاهی پس از این موفقیت ویتمن طی یک درگیری مجروح شد و نشان جراحت دریافت میکند به فاصله دو ماه بعد از این، به دلیل نابود کردن 6 تانک روسی موفق به دریافت صلیب آهنین درجه می شود.





ویتمن از دست پیشوا نشان صلیب شوالیه و برگ بلوط را دریافت می کند.

در جولای 1942 ویتمن به خاطر حسن خدمات برای دیدن دوره به مدرسه عالی زرهی اس اس در یادتولز ایالت باواریا فرستاده شد و به درجه ستوان دومی نیز نایل می گردد در ماه جولای 1943 با آغاز عملیات "زیتادل" ویتمن با تانک تایگرش موفق به نابودی بیش از 30 دستگاه تانک شوروی و 28 توپ ضد تانک می شود. در اکتبر همان سال و همزمان با شروع تهاجم پائیزی شوروی، ویتمن موفق به نابودی بیست دستگاه تانک تی 34 و بیست و سه سرباز پیاده و تعدادی توپ ضد تانک میشود که این موفقیت برای او منجر به دریافت صلیب شوالیه می گردد.

مدتی بعد ویتمن به دلیل رشادت های خود در میدان نبرد موفق به دریافت نشان صلیب شوالیه و برگ بلوط می شود که این نشان شخصا توسط آدولف هیتلر پیشوای آلمان اهدا می شود. از این پس ویتمن به عنوان قهرمان ملی آلمان شناخته می شود و در مراسم های مختلف شرکت می کند.

همزمان با پیاده شدن متفقین غربی در سواحل نرماندی، ویتمن به همراه واحدش برای مقابله با متفقین به جبهه ی غربی فرانسه اعزام می شوند. در جبهه ی شرقی نیروهای تحت فرمان ویتمن موفق به نابودی کامل هنک چهارم بریتانیا می شوند و سپس در شهری بنام ویلر بوکاژ به نیرو های انگلیسی می رسند در این درگیری که نیروهای تحت فرمان ویتمن تنها داری 5 تانک بودند که 2 دستگاه از آن ها نیز آسیب دید بود در عرض 15 دقیقه موفق به نابودی 13-14 تانک و 2 توپ ضد تانک و 13-14 کامیون می شوند. با این موفقیت ها ویتمن لایق بدست آوردن مدال دیگری از دست پیشوا می شود مدال صلیب شوالیه+برگ بلوط+شمیشر که در 26 ژوئن به وی اهدا می شود. اکنون ویتمن پر افتخارترین فرمانده تانک هست. به وی پیشنهاد تدریس در مدرسه زرهی داده می شود اما وی که مرد میداین جنگ است این پیشنهاد را رد می کند و دوباره به جبهه ی جنگ باز می گردد.



تانک ویتمن در حال پیشروی در جبهه ی فرانسه - 1944

تانک منهدم شده ای که ادعا می شود تانک ویتمن است.



مایکل ویتمن در 13 اگوست 1945 در حالی که تنها 30 سال سن داشت در عملیاتی در فرانسه تانک تایگرش مورد حمله قرار گرفت که منجر به نابودی تانک و کشته شدن همه خدمه به همراه ویتمن گردید.

درباره علت کشته شدن ویتمن نظرات متفاوتی وجود دارد و تا به امروز این نظرات متفاوت همچنان ادامه دارند، اما مهمترین آن شکار تانک ویتمن بوسیله ی هواپیما های متفقین هست .

در طول خدمت خود، مایکل ویتمن موفق به شکار 128 تانک به همراه 132 توپ ضد تانک و تعداد زیادی خودروهای زرهی شد. که این آمار او را به یکی از تکخال های جهان تبدیل کرده است.



مقبره ی ویتمن و یارانش در قبرستان نیرو های آلمانی در فرانسه



نگاهی به آرادو آر 68

نخستین تلاش های آلمان برای دور
زدن عهدنامه ی ورسای

ترجمه : هومن

جنگنده تک موتوره آرادو آر 68 از سری هواپیماهای کلاس ب سری آرادو جز اولین هواپیماهای ساخت لوفت وافه بعد از معاهده ورسای و شروع بازسازی نیروی هوایی آلمان بود. نیروی هوایی آلمان از 1930 بطور سری کار بر روی هواپیماهای سری آرادو را آغاز و از سال 1936 به بعد بطور انبوه در صنایع هوایی خود از آن استفاده کرد که جنگنده تک موتوره آرادو آر 68 اولین مورد آن بود که در سال 1936 برای اولین بار وارد نیروی هوایی آلمان شد و بزودی در دو مدل توسعه یافت و در جنگ های داخلی اسپانیا برای کمک به ژنرال فرانکو به اسپانیا فرستاده شد اما در سال 1939 و در هنگام شروع جنگ در اروپا عملا از دور خارج شده بود و تنها در حد یک هواپیمای آموزشی برای تعلیم خلبانان آلمان مورد استفاده قرار میگرفت تا یک هواپیمای جنگی. این جنگنده دارای کابین خلبان باز و باله های تقویت شده و دو مسلسل ثابت بر روی آنها و چرخ های ثابت در زیر این باله ها بود. این مدل بر پایه طراحی مونوپلان (در این نوع طراحی باله ها در قسمت بالای بدنه نصب و با پایه هایی به پایین بدنه متصل میشد) که در آن زمان در هواپیما های انگلیسی زیاد استفاده میشد، ساخته شده بود. با یک نگاه به مشخصات فنی این هواپیما میتوان به نوآوری های زیادی در طراحی مونوپلان آن پی برد. آرادو آر 68 از نظر ظاهری تلفیقی بود از چندین مدل دیگر قبل از خود که با تغییراتی ساختاری و استفاده از موتوری پر قدرت تر و بهره گیری از دو مسلسل ام جی 17 (7.92 میلی متری) عملا دارای کارایی بالاتری نسبت به این مدل های قدیمیتر بود.

مشخصات کلی

ابعاد

ارتفاع بدنه از زمین: 9.5 متر

طول: 11 متر

عرض: 3.28 متر

کارایی

حداکثر سرعت: 305 کیلومتر در ساعت

طول پرواز: 415 کیلومتر

ارتفاع پرواز: 8100 متر

متعلقات نظامی: دو عدد مسلسل ام جی 17 ثابت بر روی بال ها

مشخصات موتور

موتور بی ام وی سری 5 با خنک کننده مایع با توان 750 اسب بخار



تانک های ضد هوایی آلمان

Ostwind & Wirbelwind

ترجمه و ویرایش :
علی رضا (دایس رایش)



Ostwind و Wirbelwind جانشینانی برای Flakpanzer IV که با Flak43 37 میلیمتری مسلح میشد (نمونه موقتی) بودند. که (این نمونه) قبل از شکل گیری یک فلک پانزر واقعی تولید شده بود. در جولای 1944 اولین نمونه از Ostwind (باد شرقی) که یک خودروی زرهی ضد هوایی بر روی شاسی ارتقاء یافته پانزر 4 بود ساخته شد.

طراحی آن بسیار شبیه ویربل ویند بود که اولین نمونه آن در مه 1944 به تولید رسید و به عنوان اولین فلک پانزر اساسی و کارآمد شناخته شد. هر دو خودرو بر روی شاسی های پانزر 4 (بیشتر مدل های اف و جی) که از خدمت کنار رفته بودند یا در جنگ آسیب دیده بودند ساخته شدند. باور عمومی این است که ایده ی ساخت ویربل ویند از آنجا آغاز شد که کارل ویلهلم کروزر افسر لشکر دوازدهم زرهی اس اس (Hitler Jugend) تصمیم گرفت که توپ چهارلول 20 میلیمتری Flak 38 L/112.5 را بر روی شاسی پانزر 4 سوار کند. خودروهای گردباد و باد شرقی دارای برجک های بسیار متشابه (برجک ویربل ویند 9 صفحه و برجک استویند دارای 6 صفحه بود) بودند. این برجکها دقیقاً بر روی مکان اصلی برجک پانزر 4 سوار میشدند. برجک استویند ملقب به نام مستعار آلمانی Keksdose به معنای قالب کلوچه بود!! تفاوت عمده و اصلی در این بود که گردباد مجهز به یک توپ 4لول 20 میلیمتری Flak 38 L/112.5 بود در حالی که باد شرقی با یک توپ 37 میلیمتری Flak 43 L/89 مسلح میشد. (هر دو خودرو می توانستند به خوبی بر ضد اهداف زمینی هم مورد استفاده قرار گیرند.)



Wirbelwind

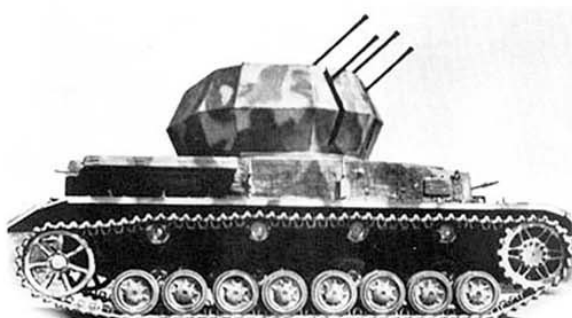
Ostwind

Ostwind



فلک 20 میلیمتری ثابت کرد که از فلک 37 میلی متری کم اثر تر است و عاقبت با 37 میلیمتری جایگزین شد. استویند و ویربل ویند هر دو توسط صنایع Ostbau Works در Sagan به دلیل کمبود مواد اولیه به تعداد محدود ساخته شدند. این کارخانه ها به دلیل نزدیک شدن روسها به تاسیسات Deutsche Eisenwerke در Teplitz و دویسبورگ منتقل شدند. از ماه مه تا نوامبر 1944 در کل فقط 87 دستگاه ویربل ویند و 44 دستگاه استویند از جولای 1944 تا مارس 1945 به تولید رسیدند.

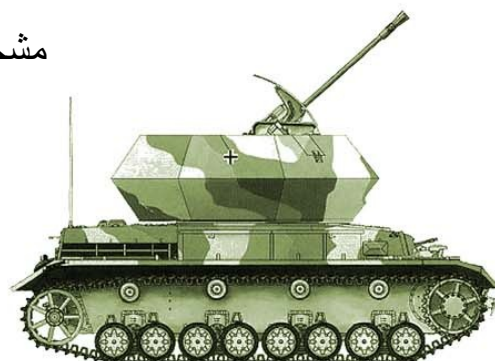
هر دو خودرو با عنوان دسته های ضد هوایی در لشکرهای زرهی خدمت میکردند. اما هرگز تعداد کافی از آنها برای تجهیز نیروهای خط مقدم جبهه وجود نداشت. این خودروها ثابت کردند که بر ضد اهداف هوایی که در ارتفاع پایین پرواز میکنند بسیار موثرند و یکی از قابل توجه ترین عملیات آنها حضور یکی از پیش نمونه های استویند در عملیات آردن (16 تا 22 دسامبر 1944) به همراه لشکر یکم زرهی وافن اس اس بود که بدون آسیب دیدگی به کارخانه برگشت. همچنین طرحها و نقشه هایی جهت افزایش قدرت آتش هر دو خودرو وجود داشت. در 1944 تصمیم گرفته شد تا ویربل ویندهای باقی مانده با 4 توپ 30 میلی متری MK103/28 یا MK103/38 که دارای نواخت 1600 گلوله در دقیقه بودند مسلح شوند.



Wirbelwind

در دسامبر 1944 Ostbau تنها یک پیش نمونه با نام :
برای استویند هم اعمال شد و قرار شد که آنها را با دو توپ 37 میلیمتری فلک 43 یا فلک
44 یا توپهای 30 میلیمتری موزر MK103 مسلح کنند. در ژانویه 1945 یک پیش نمونه
با نام: 3.7cm Flakzwilling44 auf sfi pzkw IV تولید شد در صورتی که 100
دستگاه سفارش داده شده بود. در 1944 تصمیم گرفته شده بود که از تانکهای پانزر 3 غیر
مستعمل استفاده شود و برجکهای این دو خودرو بر روی آنها نصب شود و فلک پانزر 3
به تولید برسد. 90 دستگاه از آنها سفارش داده شد اما اتمام جنگ تولید را لغو کرد...

مشخصات فنی



وزن: 22 تن
خدمه: 6 نفر
موتور: میباخ 12 سیلندر HL120 TR112

272 اسب بخار
سرعت: 38 کیلومتر بر ساعت
برد جاده ای: 200 کیلومتر
ظرفیت مخزن سوخت: 470 لیتر
طول: 5.92 متر
عرض: 2.95 متر
ارتفاع: 3 متر

وزن: 25 تن
خدمه: 6 نفر
موتور: میباخ 12 سیلندر HL120 TR112

272 اسب بخار
سرعت: 38 کیلومتر بر ساعت
برد جاده ای: 200 کیلومتر
ظرفیت مخزن سوخت: 470 لیتر
طول: 5.92 متر
عرض: 2.95 متر
ارتفاع: 3 متر

تاریخچه ی رباخوری

و مبارزات با آن

نوشته ی : شاهرخ

ربا خواری در بین یهودیان و اثرات آن بر جهان

نزول، بهره، ربا، فرقی ندارد به چه نامی است این پدیده چنان ناپسند و نفرت انگیز بوده و هست که ادیان الهی با دستورات سفت و سختی آن را جزو بدترین گناهان منظور می کنند.

ربا شاید از همان ابتدای تاریخ و تجارت کالا به کالا وجود داشت و شاید به محض پیدایش اولین علوم حساب کردن با آن ربا هم وارد دنیای اقتصاد شد. ربا از مقدس ترین داشته بشر یعنی دین سر برآورد شاید این موضوع خیلی عجیب باشد که چطور این ممکن است که چیزی را که دین آن را ملامت می کند را پرورش دهد پاسخ خیلی ساده است آن هم تحریف در ادیان است که این مورد در دین یهود بسیار فاجعه بار می باشد.

یهودیان از بدو ایجاد یهودیت آن را به نفع خود تحریف کردند و قوانین موسی را کاملا به نفع خود تغییر دادند که یکی از مهمترین تحریفات گنجاندن ربا بود. در یهودیت آنها خود را مجاز می دانستند که به هر میزان که دوست دارند از غیر یهودیان بهره بگیرند و این را هم یکی از دستورات تورات می دانستند. با توجه به این نوع سیاست اقتصادی آنها و تعداد محدودشان در جوامع نزول خواری به بهترین شغل آنها تبدیل شد بود به طوری که ثروت زیادی از این راه بدست آورده بودند.

مبارزه با ربا:

با تولد ربا مبارزه با آن هم شروع شد یهودیان ربا خوار اولین سیستم بهره خواری را با پشتیبانی دینی تحریف شده بنا نهادند و با نفوذ در جوامع مختلف بطوری آنها را در درودن منهدم می کردند که دیگر نتواند بر روی پای خویش بایستند حاکمان و متدینین واقعی به مبارزه با این نوع سیستم پرداختند همونطوری که از کتب باستانی هم می توان فهمید ربا در آن دوره نیز امری بسیار ناپسند بوده و در متنی از حمورایی حاکم بابل در 3700 سال پیش مبارزه با ربا قید شده و ربا خوار را به مجازات تهدید نموده در ایران باستان در روم و یونان باستان نیز همیشه بر مبارزه با رباخواری تاکید شده ولی سیستم ربا آنقدر فراگیر و با قدرت جلو می رفت که بالاخره به نیجه مورد نظرش رسیدو آن هم تاسیس بانک بود.



قانون همورابی که در آن با ربا خوری برخورد شده است .



بانکداران در جنوای ایتالیا

در قرون چهاردهم و پانزدهم نزول خواری یهودیان به حدی در اروپا رسید که عملاً خارج از کنترل دولت قرار گرفتند و دولت های اروپایی برای دور نگه داشتن یهودیان از عامه مردم آنها را در شهرک های به نام "گتو" نگه می داشتند شهرک های که برای آنها محدود بود و ربا خواری آنها نیز بشدت تحت تاثیر قرار گرفت به طوری که دیگر شهروندان پول های را به عنوان ربا می گرفتند و پس نمی دادند و ربا خواری هم بشدت محکوم بود و مجازات های در حد اعدام داشت تا اینکه موسسات کوچک مالی در قرون 16 شکل گرفت و این آغازی بود برای رهایی از "گتو" برای یهودیان و قانونی کردن مبادلات خود این موسسات با مدیریت های رباخوارانه یهودیان سرعت رشد کردند و تبدیل به موسسات بزرگ بانکداری شدند و خانواده های یهودی بسیار قدرتمندی از این میان سر برآوردند که به طور عجیبی تمامی مبادلات اقتصادی را مدیریت می کردند .

در ونیز خانواده های یهودی تا واتیکان که روزی دشمن درجه یک ربا خواری بود نفوذ کردند و با تغییر دین به نزدیک ترین اشخاص به پاپ ها بدل شدند و با همین ابزار براحتی خود را در ایتالیا قدرتمندتر کردند. در انگلیس یهودیان در اواخر قرن هفدهم در اکثریت بازار بورس بودند در آلمان از چهار نفر موسس بازار بورس 2 نفر یهودی بودند و آن دو نفر دیگر هم اجدادی یهودی داشتند در پاریس بازار بورس کاملاً دست ماسون های یهودی بود. تمام مبادلات اقتصادی و بورس کلا در دست یهودیان بود و در قرن هجدهم چنان قدرتمند شدند که براحتی حکام را جابه جا می کردند.





سزار: ژولیوس

تمام حکامی که جلوی سیستم اقتصادی یهودیان مقاومت می کردند محکوم به شکست بودند به عنوان مثال ژولیوس سزار در اولین قرن میلادی نظام ضرب سکه را از یهودیان ساکن روم گرفت و خود شروع به ضرب آن کرد و به چنان شکوفایی اقتصادی رسید که ساختمان های بسیار زیادی برای این کار ساخت ولی همین کار او باعث قتلش و بدگویی نسبت به او حتی تا همین روز ها هم شد .



ناپلئون

با رایج شدن اسکناس در فرانسه برای اولین بار در اوایل قرن هفدهم طلا به عنوان پشتیبان آن معرفی شد و ماسونهای یهودی بشدت در این امر نفوذ کردند و تمام معادلات را به دست گرفتند با روی کار آمدن ناپلئون جلوی تمام رباخواری ها و بازی با طلا و اندوخته های دولتی گرفته شد و یهودیان بشدت در فشار قرار گرفتند که البته با کشاندن دولت های انگلیس و روسیه به جنگ علیه ناپلئون موجبات شکست ایشان و کنار رفتن از قدرت را فراهم آوردند که باز به شکلی عجیب زندگی را بدرود گفت.

آبراهم لینکن رئیس جمهور امریکا نیز مقاومت نمود و به قتل رسید. بیسمارک صدراعظم آهین آلمان و پروس، بسیار هوشمندانه عمل نمود و برای مدتی با بازی های سیاسی توانست یهودیان را از مبادلات اقتصادی و سیاسی دور نگه دارد ولی این هم جوابگو نبود و در نهایت همین یهودیان بودند که جنگ را آغاز کردند و شکست آلمان را در جنگ رقم زدند.

آدولف هیتلر

هیتلر آخرین رهبر اروپایی و البته شجاعترین فردی بود که به مبارزه با نفوذ یهودیان و ماسون ها در پوست و استخوان اروپا پرداخت او این بار با قدرتی بسیار بیشتر از ناپلئون و بیسمارک و لینکلن به مبارز رفت وی تمام یهودیان را از رتبه های اقتصادی بلندیایه کنار گذاشت سیستم بانکداری را بشدت متحول کرد نرخ بهره ها را به گونه ای برنامه ریزی کرد که تقریباً بدون سود باشد به طوری که حتی برای خرید اتومبیل فولوکس که 1000 مارک قیمت داشت وام های بی بهره می گذاشت.

هیتلر از سیستم ناکارآمد بانکی کشورهای دیگر بشدت به نفع آلمان استفاده کرد و با وام گرفتن از بانک های انگلیسی و دور زدن تحریم ها علیه آلمان استفاده می کرد او عملاً تمام تحریم و فشارها رو بر غلبه خود سیستم یهودی استفاده می کرد چنان که یهودیان کاملاً از این وضع در آلمان نازی ناراضی بودند و به دنبال بهانه ای بودند تا نازیسم و شخص هیتلر را کنار بزنند و مانند سزارکاری کنند تا به آخر دنیا به پیشوای آلمان انواع و اقسام توهین و ناسزاهای و تهمت ها را بزنند.

زمانی که آلمان نازی برای باز پس گیری خاک از دست رفته خود به لهستان اخطار داد یهودیان از این وضعیت استفاده و جنگ جهانی را به راه انداختند تا آخرین امید اروپا و شاید بشریت برای مدت ها خاموش شود تمام جهان را بر علیه هیتلر شورانند با این حال نازیسم مقاومت شایسته ای کرد ولی در نهایت با صرفه پول های یهودیان آلمان نازی شکست خورد و همانطوری که هیتلر در وصیت نامه خود بیان می کنند این یهودیان بودند که جنگ را آغاز کردند شکست آلمان هم کار یهودیان بود .



**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**